



جزوه درس قانون اساسی

استاد نعمتی

تہیہ کنندہ: منصور پور نقشبند

۹۲۱۳۱۶۰۱۰۳

معانی و مفاهیم:

تعریف حقوق: حقوق از واژه حق گرفته شده است که حق عبارت است از قدرت یا امتیازی که کسی یا جمعی سزاوار برخوردار از آن است، بویژه قدرت یا امتیازی که به موجب قانون یا عرف مقرر شده باشد. مجموعه ی آنها را حقوق می گویند.

تعریف حقوق اساسی: رشته ای از حقوق عمومی داخلی که سازمان و شکل حکومت و وظایف و مسئولیت های قوای حاکم حقوق و تکالیف افراد در برابر دولت و دولت نیز در رعایت حقوق و آزادی های افراد ملت را مشخص می کند. بنابراین حقوق اساسی مجموعه ای از قواعد و اصول تشکیلات اساسی دولت و قوای سه گانه و اختیارات و رابط آنها با هم و افراد و دولت و حقوق و تکالیف است که آن را قانون اساسی هر کشور مشخص می کند. جایگاه حقوق اساسی در علم حقوق از یک نظر (قلمرو اجرایی) به دو دسته تقسیم می شود:

داخلی و بین المللی

1. حقوق داخلی شامل حقوق خصوصی و حقوق عمومی است و دامنه اجرای آن به شهروندان یک دولت در محدوده ی مرزهای آن است.
 2. حقوق بین المللی شامل حقوق بین المللی خصوصی و عمومی است که شامل قواعدی است که میان دولت ها ، سازمان های بین المللی و افراد در حوزه ی نظام بین الملل می شود. پس بنابراین ما در یک تقسیم بندی دیگر می توان حقوق را به خصوصی و عمومی تقسیم کنیم.
- حقوق عمومی ، قواعد و ضوابط حاکم بر روابط دولت ها با افراد و نیز دولت ها با یکدیگر مورد بحث قرار می گیرد. مانند حقوق اساسی ، حقوق اداری یا حقوق جزا
- حقوق خصوصی ، قواعد و ضوابط حکم به روابط با یکدیگر مورد بحث قرار می گیرد. مانند حقوق مدنی ، تجارت ، کار و ...
- بر اساس این تقسیم بندی ها حقوق عمومی داخلی است.

منابع حقوق اساسی:

منظور از منابع حقوق اساسی ریشه‌هایی است که بر پایه آن شکل گرفته است. این منابع به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. منابع خاص: منظور آن دسته از منابعی است که ویژه و خاص یک کشور است. برای مثال منابع خاص حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قرآن، سنت (قول و فعل و تقدیر پیامبر یا امام معصوم)، عقل، اجتماع، نظریه‌های تفسیری شورای نگهبان، مصوبات مجمع مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی

۲. منابع عام: منظور از منابع عام آن دسته از منابعی است که بیشتر کشورها منبع حقوق اساسی پذیرفته شده است.

مانند قانون اساسی، قوانین عادی، دستورات رئیس دولت، رای مستقیم مردم (همه پرس) ، رویه قضایی، نظریه های حقوق دانان، آیین نامه های داخلی مجلس، عرف و بخش نامه های دولتی

تعریف قانون:

قانون از نظر لغوی به معنای اصل و مقیاس چیزی می باشد و همچنین به دستورها و مقررات و احکامی گفته می شود که از طریق دولت و مجلس برای حفظ انتظام و اداره کردن امور جامعه وضع می گردد.

تعریف اصطلاحی قانون عبارت است از قاعده حقوقی عام یا خاص که توسط قوه مقننه وضع شده باشد.

قوانین از نظر سلسله مراتب به سه دسته زیر تقسیم می شوند:

۱. قانون اساسی که در راس قوانین کشور قرار دارد و هیچ قانونی نمی تواند خلاف آن باشد.
۲. قوانین عادی که در مجلس تصویب می شود.
۳. آیین نامه ها، دستور عمل ها، بخش نامه های اجرایی و ... که توسط قوه مجریه وضع می شود و دارای اعتبار می باشد.

ویژگی های قانون:

۱. **کلی بودن:** یعنی همه افراد و جامعه را مورد خطاب قرار می دهد نه شخص خاصی را، این ویژگی از لوازم اصل مساوات است. در قانون اساسی هر کدام موارد اصل نامیده می شود. در قانون مدنی هر کدام از موارد ماده نامیده می شود.
۲. **الزامی بودن:** یعنی قانون در مقام اجرا الزامی است و کسی نمی تواند از اجرای آن سر باز بزند.
۳. **داشتن ضمانت اجرایی:** یعنی ضمانت اجرای قانون از سوی دولت تضمین شده است و به این منظور دادسراها و دادگاه ها و ادارات دیگر را تاسیس کرده اند.
۴. **قلمرو داشتن:** قلمرو قانون چارچوب مرزهای رسمی و بین المللی هر کشور است و در خارج از آن برای اتباع بیگانه قابل اجرا نیست.

قانون اساسی:

قانون اساسی متشکل از مجموعه ی قواعد و مقررات کلی است که شکل حکومت و سازمان کلی است که شکل حکومت و سازمان عالی قوای سه گانه کشور و ارتباط آن ها با یکدیگر و حقوق و آزادی های افراد را در مقابل دولت مشخص می کند.

ویژگی های قانون اساسی:

۱. مجموعه مقررات کلی است که همه قوانین دیگر از آن سرچشمه می گیرد.
۲. مشخص کننده شکل حکومت و سازمان عالی کشور است.
۳. تعیین کننده چگونگی ارتباط قوا و وظایف و اختیارات آن ها است.
۴. تعیین کننده حقوق و آزادی های افراد در مقابل دولت است.
۵. بیان کننده وظایف و اختیارات دولت در مقابل مردم است.
۶. مشخص کننده سایر نهاد های حکومتی و غیر حکومتی است.

انواع قانون اساسی:

۱. مدون و غیر مدون (نوشته و نا نوشته): قانون اساسی مدون به قانونی گفته می شود که با تشریفات خاص به تصویب مجلس موسسان و مجمع صلاحیت دار خاص رسیده باشد و به عنوان قانون برتر و با دوام ساختارهای کلی کشور را مشخص کند. در حال حاضر تمام کشورهای دنیا به جز یک کشور قانون اساسی نوشته شده یا مدون دارند. قانون اساسی غیر مدون به این معنا است که متن مشخص مصوب و فصل بندی شده در یک کشور وجود نداشته باشد. اصول قانون اساسی غیر مدون را باید از قوانین عادی، عرف و عادت و رسوم آن جامعه بدست آورد. تنها کشوری که قانون اساسی غیر مدون دارد انگلستان است.
۲. قانون اساسی منعطف و غیر منعطف: قانون اساسی منعطف قانونی است که تشریفات مربوط به بازنگری آن با قوانین عادی هیچ تفاوتی ندارد مانند قانون اساسی انگلستان که مجلس انگلستان می تواند به آسانی آن را اصلاح و تغییرش دهد مزیت اینگونه قانون این است که با شرایط و مقتضیات زمان به آسانی انطباق پیدا می کند اما ذاتا ناستوار می باشد. در مقابل قانون اساسی انعطاف ناپذیر که تشریفات مربوط به بازنگری آن متفاوت از قوانین عادی است و بسیار سخت و پیچیده می باشد. در توجیه انعطاف ناپذیری آن می گویند که قانون اساسی به عنوان مظهر اراده عالی جامعه فراتر از قوه مقننه می باشد بنابراین اصلاح و تغییر آن نباید تابع قوانین عادی باشد و قانون گذار نتواند به راحتی در آن دخل و تصرف کند. مزیت آن اینست که باعث ایجاد نظم و ثبات می شود و ضعف آن سخت بودن آن در مقابل تغییرات و عدم انطباق آن با نیازهای زمان می باشد. قانون اساسی ایران از این نوع است.
۳. قانون اساسی با متن واحد یا متعدد: در بیشتر کشورها مانند جمهوری اسلامی ایران دارای قانون اساسی واحد است اما در برخی از کشورها ممکن است قوانین اساسی در چند مرحله تنظیم شده باشد و به این جهت دارای چند متن است مانند قانون اساسی مشروطه ایران که دارای دو متن بود، متن اول ۱۲۸۵ که شامل ۵ فصل و ۵۱ اصل بود متن دوم که همان متمم قانون اساسی مشروطه است در سال ۱۲۸۶ نوشته شد که فصلی نداشت ولی دارای ۱۰۷ اصل بود. قانون اساسی جمهوری سوم فرانسه نیز دارای سه متن بود.
۴. قانون اساسی با ارزش واحد و یا متعدد اصول: این که تمام مواد و اصول قانون اساسی دارای ارزشی واحد باشند و هیچ اصلی نیست بر اصل دیگر برتری نداشته باشد را قانون اساسی با ارزش واحد اصول می نامند مانند قانون اساسی مشروطه و اینکه ممکن است در پاره ای موارد اصولی از قانون اساسی مورد توجه قرار

گرفته و نسبت به اصول دیگر دارای ارزش و اعتبار بیشتری باشد و حتی قابل بازنگری یا اصلاح نباشد را قانون اساسی با ارزش متفاوت اصول می نامند مانند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در آن به صراحت آمده است برخی از اصول به نسبت اصول دیگر از ارزش بیشتری برخوردارند. در اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است کلیه قوانین مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و... باید بر اساس موازین اسلامی باشد این اصل بر اتلاق یا عموم همه ی اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر به عهده فقیهان شورای نگهبان می باشد.

۵. قانون اساسی سکولار و قانون اساسی مذهبی: سکولار (جدایی دین از سیاست) پاره ای از قوانین اساسی دنیا نسبت به دین و مذهب به اعتنا هستند و هر گونه امتیازی برای مذهب را مردود می دانند این گونه قوانین را قانون اساسی سکولار می گویند (غیر مذهبی) دسته ای دیگر از قانون اساسی دین و مذهب آن کشور را به عنوان دین و مذهب رسمی به رسمیت می شناسند و نهاد های رسمی کشور را به ترویج آند و مکلف می کنند.

ویژگی های قانون اساسی:

۱. تعیین نوع حکومت و ارکان آن مهمترین و اولین ویژگی قانون اساسی است که نو حکومت، ارکان و پایه های آن را به همراه وظایف و اختیارات هر یک به صراحت بیان می کند مثلا در اصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حکومت ایران جمهوری اسلامی است و در اصول مختلف دیگر رهبری و قوای سه گانه نیز مشخص شده اند.
۲. بیان اصول کلی: قوانین اساسی باید در بر گیرنده اصول کلی باشد به نحوی که آن ها پایه و اساس برای سایر قوانین باشند در فصل اول قانون اساسی ایران اصول کلی آن مشخص شده است.
۳. کلی بودن: قانون اساسی نباید وارد جزئیات شود زیرا بیان جزئیات با قوانین عادی است قید جزئیات در قانون اساسی آن را از حالت بنیادی خارج می کند.
۴. انطباق با مبانی اخلاقی جامعه
۵. قابلیت اجرا: اعتبار قانون اساسی وقتی کامل است که تمام اصول آن قابل اجرا باشد.

۶. واضح و شفاف باشد: یعنی اصول قانون اساسی روشن و بدون ابهام باشد چون در غیر این صورت برخی ممکن است آن را به نفع خود تفسیر کنند و برداشت های نادرست از آن داشته باشند.

۷. پیش بینی بازنگری در قانون اساسی: بازنگری در قانون اساسی یعنی الحاق و یا تغییر یک یا چند اصل که این خود نیز به عنوان یک اصل در قانون آمده است. از این طرف قانون نتیجه نیازها و شرایط خاص بشر است و از طرف دیگر این نیازها و شرایط همواره در حال تغییر هستند در قانون اساسی سال ۵۸ مسئله تجدید نظر پیش بینی نشده بود و این نقص بود اما در سال ۶۸ اصل ۱۷۷ آن به عنوان بازنگری در قانون اساسی اختصاص یافت بر اساس این اصل در صورت نیاز به بازنگری در قانون اساسی ابتدا از رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور مفاد اصلاح را مشخص می کند پس از آن نیز موارد بازنگری شده باید به تایید رهبری برسد و سپس به همه پرسى گذاشته شود.

۸. پیش بینی مفسر قانون اساسی: از آن جهت که کلی است نیاز به مفسر دارد در قانون اساسی ایران در اصل ۶۸ آمده است تفسیر قانون اساسی به عهده ی شورای نگهبان است که با تصویب ۳/۴ آن ها انجام می شود.

۹. عدم تعارض درونی بین اصول

۱۰. برتری به دیگر قوانین: به این معنی که قانون اساسی مهمترین و معتبرترین قانون است قانون اساسی ساختارهای کلی حقوقی و سیاسی هر جامعه را مشخص می نماید.

پیشینه ی قانون اساسی در ایران: با پیروزی جنبش مشروطه خواهی در ایران دوره مظفرالدین شاه و صدور فرمان مشروطه در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ مجلس اول مشروطه با فرمان شاه در مهر ۱۲۸۵ تشکیل شد و مهمترین وظیفه آن تدوین قانون اساسی مشروطه بود. در مجلس اول شورای ملی که در واقع مجلس موسسان نیز تلقی می شد طرح اولیه قانون اساسی مطرح شد و پس از چند جلسه شور و مشورت متن قانون اساسی مشروطه در ۵ فصل و ۱۵۱ اصل به تصویب رسید. یک سال بعد متممی در قانون اساسی اولیه نوشته شد که فصول آن را حذف می کرد و ۱۰۷ اصل را برای قانون اساسی در نظر می گرفت.

ویژگی های قانون اساسی مشروطه:

۱. قانون اساسی مشروطه برای نخستین بار مسئله پارلمان (مجلس) حقوق مردم و مبانی قدرت سیاسی را مطرح کرد و در سلب اختیارات نامحدود شاه و نفی استبداد مطلقه و ضرورت حاکمیت مردم تاثیر به سزا داشت.
۲. طبق اصل ۳۵ متمم قانون اساسی مشروطه دولت و سلطنت در ایران جنبه ی مردمی یافت و شرط حاکمیت بر مردم برای مقام سلطنت هیئت دولت و نمایندگان مجلس اعتقاد به دین اسلام بود.
۳. اصول ۸ تا ۲۵ قانون اساسی مشروطه حقوق ملت را بر می شمرد.
۴. در جلوگیری از نفوذ بیگانگان و قدرت های خارجی در امور کشور تاکید داشت.
۵. بر طبق اصل ۳۶ متمم قانون اساسی مقام سلطنت از طرف مردم و توسط مجلس موسسان به شخص شاه تفویض می شد شاه فرمانده کل قوا بود و فرمان جنگ و صلح را او صادر می کرد.

ضعف های محتوایی قانون اساسی مشروطه:

۱. بسیاری از اصول مندرج در قانون اساسی مشروطه و متمم آن جنبه ی کلان و طولانی مدت نداشتند و به برخی از مسائل جزئی پرداخته بود که در قلمرو قانون اساسی نیست.
۲. هیچ گونه نظم منطقی میان فصول و اصول وجود نداشت و حتی در برخی موارد تناقض هایی در این اصول دیده می شد.
۳. مسئله ی حق حاکمیت ملی در اصل ۲۶ متمم قانون اساسی مشروطه با حقوق سلطنت که در اصول ۳۵ تا ۵۵ متمم قانون اساسی آمده بود منافات داشت.
۴. مهمترین تعارض قانون اساسی مشروطه در اصل تفکیک قوا بود به این معنی که از سویی در اصل ۲۷ متمم قانون اساسی دو قوه مقننه و مجریه مخصوص شاه دانسته شد و از سویی در تفکیک و جدایی از یکدیگر تاکید شده بود.
۵. مفسر قانون اساسی مشروطه مشخص نشده بود که کدام نهاد است.

تغییرات قانون اساسی مشروطه و متمم آن :

۱. در سال ۱۳۰۴ رضا خان با تشکیل مجلس موسسان اصول ۳۶، ۳۷، ۳۸ متمم قانون اساسی مشروطه را تغییر داد و سلطنت را که مربوط به خاندان قاجار بود به خود و فرزندانش واگذار کرد و سن قانونی ولیعهد را نیز تغییر داد.
۲. در سال ۱۳۱۰ به دستور رضاخان اصول ۸۱ و ۸۲ متمم قانون اساسی تغییر کرد و بر اساس آن تغییر محل ماموریت قضات بلامانع اعلام شد و به این ترتیب استقلال قضایی زیر سوال رفت.
۳. در سال ۱۳۱۷ اصل ۳۷ متمم قانون اساسی در راستای اهداف رضاخان، تغییر کرد و بر اساس آن شرط ایرانی الاصل بودن مادر رضاخان تغییر یافت.
۴. در سال ۱۳۲۸ بار دیگر مجلس موسسان به دستور مجملد رضا پهلوی تشکیل شد و با تغییر اصل ۴۸ قانون اساسی به شاه اجازه داد که دو مجلس را بتواند تعطیل کند (مجلس شورای ملی و مجلس سنا)
۵. در سال ۱۳۴۶ همزمان با جشن های تاج گذاری بار دیگر اصل ۳۸ متمم قانون اساسی تغییر پیدا کرد به این معنی که اگر ولیعهد به سن ۲۰ سالگی نرسیده باشد و شاه فوت کند و یا به هر دلیل دیگر در مسند قدرت نباشد مادر ولیعهد به عنوان نایب السلطنه قدرت را در اختیار خواهد گرفت.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

فکر تدوین قانون اساسی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و به هنگام اقامت امام در پاریس به وجود آمد و پیش نویس اولیه آن نیز در همان جا تهیه شد اما پس از ورود به ایران در سخنرانی بهشت زهرا تشکیل مجلس موسسان را به مردم وعده داد و یکی از وظایف اصلی دولت موقت مهندس بازرگان تشکیل مجلس موسسان برای تدوین و تصویب قانون اساسی جدید بود به این ترتیب مجلس بررسی قانون اساسی یا همان مجلس خبرگان قانون اساسی با تعداد اعضای کمتری تشکیل گردید و پس از تدوین و تصویب آن قانون اساسی به همه پرسى گذاشته شد. لایحه ی قانونی انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی در تاریخ ۵۸/۴/۱۴ به تصویب شورای انقلاب رسید و نمایندگان مجلس خبرگان که ۷۳ نفر بودند انتخاب شدند. انتخابات مجلس موسسان در ۲۹ تیر ۵۸ برگزار شد و در ۲۹ مرداد همان سال مجلس بررسی نهایی قانون اساسی آغاز به کار کرد پس از تشکیل این مجلس دولت موقت نیز طرح اولیه و پیشنویس قانون اساسی را به خبرگان منتخب مردم تقدیم کرد که دارای ۱۵۱ اصل داشت که این پیش نویس از

همان ابتدا مورد انتقاد قرار گرفت به همین خاطر متون پیشنهادی دیگری مورد بررسی قرار گرفت پس از چند ماه بررسی کارشناسانه سرانجام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ۱ فصل و ۱۷۵ اصل به تصویب رسید و در آذرماه ۵۸ به همه پرسى گذاشته شد. یکی از ویژگی های مهم قانون اساسی پیش بینی چگونگی تجدید نظر در آن است در قانون اساسی سال ۵۸ به دلیل شرایط انقلابی چون به سرعت این قانون تدوین و تصویب شد اشکالاتی هم در آن وجود داشت یکی از این اشکالات اساسی عدم پیش بینی چگونگی بازنگری و تجدید نظر در قانون اساسی بود و به همین خاطر و به دلیل مشکلات دیگری که در قانون اساسی اولیه وجود داشت در بهار ۱۳۶۸ از طرف نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای عالی شورای قضایی طی دو نامه ی جداگانه درخواست تجدید نظر در قانون اساسی را تقدیم امام کردند امام خمینی نیز در ۶۸/۲/۴ طی حکمی به رئیس جمهور وقت دستور بازنگری را صادر کرد و اعضای آن را مشخص و موارد بازنگری را نیز معین کرد. یکی از موارد درخواست بازنگری از سوی امام پیش بینی اصل بازنگری در قانون اساسی بود به همین دلیل در فصل ۱۴ و اصل ۱۷۷ قانون اساسی چگونگی بازنگری در قانون اساسی مشخص شده است.

اصول و مبانی قانون اساسی:

نوع حکومت در ایران: طبق اصل اول قانون اساسی ، حکومت ایران جمهوری اسلامی است که در همه پرسى ۱۰ و ۱۱ فروردین ۵۸ با اکثریت ۹۸٫۲٪ از شرکت کنندگان همه پرسى به تصویب مردم رسید بنابراین نظام سیاسی در ایران جمهوری اسلامی است که دارای دو رکن جمهوریت و اسلامی بودن است:

الف) جمهوری بودن: جمهوری که در مقابل نظام سلطنتی قرار می گیرد حداقل باید سه شرط داشته باشد و برخی تا ۵ شرط برای آن ذکر کرده اند

۱. حاکم یا حاکمان به طور مستقیم یا غیر مستقیم باید توسط مردم انتخاب شوند مثلاً: رئیس جمهور ، نمایندگان ، شورای شهر و ... به طور مستقیم توسط مردم انتخاب می شوند و رهبری به طور غیر مستقیم توسط خبرگان انتخاب می شوند.
۲. محدود بودن زمام داری: رئیس جمهور ۴ سال و ...
۳. فقدان امتیاز شخصی برای حاکمان نسبت به مردم بر اساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی رهبری در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

۴. حاکمان دارای مسئولیت مضاعف حقوقی و سیاسی هستند.

۵. اداره کشور با اتکا به آرای عمومی صورت می پذیرد (اصل ششم قانون اساسی)

ب) اسلامی بودن: جمهوری بودن نظام ناظر بر شکل حکومت است و اسلامی بودن آن به محتوای حکومت بر می گردد و این دو در پیوندی تنگاتنگ با یکدیگر به سر می برند.

اسلامی بودن نظام و استمرار آن از دو طریق تامین شده است:

(۱) ولایت فقیه که در اصل ۵ آمده است و رهبری و هدایت در دوران غیبت امام معصوم بدست فقیهی عادل و با تقوا و آگاه به زبان، شجاع و مدیر و مدبر است که بر اساس اصل ۵۷ قوای حاکم زیر نظر اوست.

(۲) اسلامی بودن قوانین و مقررات که بر اساس اصل ۴ قانون اساسی همه ی قوانین و مقررات کشور باید بر اساس موازین اسلامی باشد و این اصل در همه ی اصول قانون اساسی و قوانین دیگر حاکم است و بر اساس اصل ۱۵۷ قانون اساسی جزء اصول و مبانی نظام است که غیر قابل تغییر و بازنگری است.

اصول و مبانی اعتقادی جمهوری اسلامی :

بر اساس اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظامی است بر پایه ی ایمان به مبانی زیر :

(۱) خدای یکتا که حاکمیت بر جهان از آن اوست.

(۲) وحی الهی و نقش اساسی آن در بیان قوانین

(۳) معاد و نقش سازنده ی آن در تکامل انسان

(۴) عدل خداوند در خلقت و تشریح

(۵) امامت و رهبری مستمر

(۶) کرامت و ارزش والای انسان و آزادی همراه با مسئولیت او در برابر خداوند که از سه طریق حاصل می

شود :

الف) اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت

ب) استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته نظری

ج) نفی هرگونه ستمگری و ستم کشی، سلطه گری و سلطه پذیری

وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران :

براساس اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موظف است برای رسیدن به اهداف مذکور در اصل ۲ همه ی امکانات خود را به کار بگیرد و وظایف زیر را انجام دهد :

- ۱) ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوا و مبارزه با همه ی مظاهر فساد
- ۲) بالا بودن سطح آگاهی های عمومی در همهی زمینه ها با استفاده از مطبوعات و رسانه های گروهی
- ۳) آموزش و پرورش و ریت رایگان برای همه در تمامی سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی
- ۴) تقویت روحیه برر سی و تبتیق و ابتکار در همه ی زمینه های علمی ، فنی و فرهنگی و سیا سی و ... از طریق تاسیس منابع تحقیق و تشویق محققان
- ۵) ترد کامل استمرار
- ۶) محو هر گونه استبداد و احصار طلبی
- ۷) تامین ۱۱ آزادی های سیاسی و اجتماعی
- ۸) مشارکت عموم مردم در تعیین سرنوشت خود
- ۹) رفع تبعیضات ناروا
- ۱۰) ایجاد نظام اداری صحیح
- ۱۱) تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی
- ۱۲) پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر
- ۱۳) تامین خود کفایی در علوم و فنون
- ۱۴) تامین حقوق همه جانبه افراد و تساوی عموم در برابر قانون
- ۱۵) توسعه و تحکیم برادری و تعاون

دین و مذهب رسمی کشور:

بر اساس اصل ۱۱ قانون دین رسمی ایران، اسلام مذهب شیعه جعفری اثنی عشری و این اصل الی الهه غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، خنبلی و زیدی دارای احترام کامل می باشد و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی خود آزادند و در احوال شخصیه یعنی ازدواج و طلاق و ارشاد و وصیت بر اساس مذهب خود عمل می کنند.

در اصل ۱۳ قانون اساسی درباره پیروان دیگر ادیان الهی آمده است ایران زردشتی، کلیمی، مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته شده در ایران هستند. این افراد نیز در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند. (اصل ۱۳)

زبان و خط تاریخ و پرچم رسمی کشور:

بر اساس اصل ۱۵ زبان زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتاب های درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است.

بر اساس اصل ۱۶ از آنجایی که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی نیز کامل با آن آمیخته است. این زبان هم باید پس از پایان ابتدایی تا پایان متوسط در کلیه مقاطع تدریس شود.

مبدا تاریخ رسمی کشور بر اساس اصل ۱۷ هجرت پیامبر اکرم (ص) و تاریخ هجری شمسی و قمری می باشد، اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است و بر اساس اصل ۷۱م پرچم رسمی ایران پرچم رسمی ایران به رنگ های سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار الله اکبر است.

تفکیک ناپذیری آزادی و استقلال و مودت ملی و تابعیت ارضی و اصل مهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است آزادی، استقلال، وحدت و تابعیت ارضی کشور از یک تغییر تفکیک ناپذیرند و حفظ آن ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به سهم استفاده از آزادی، استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، تابعیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد سهم حفظ استقلال و تابعیت ارضی کشور و آزادی های مشروع را از مردم صلب کند.

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران:

بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی نظام اقتصادی ایران بر پایه سه بخش قرار دارد:

اول: بخش دولتی که شامل صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، شبکه ی بزرگ آب رسانی، رادیو، تلویزیون کشتی رانی، راه و راه آهن است که به صورت بخش عمومی در اختیار دولت است.

دوم: بخش تعاونی شامل شرکت ها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می شود.

سوم: بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات است که مکمل فعالیت های اقتصادی، دوستی و تعاونی است.

علاوه بر این سه بخش انفال و ثروت های عمومی از قبیل عوات یارها شده، معادن، دریاها، دریاچه ها، رودخانه ها و سایر آب های عمومی، کوه ها، دره ها، جنگل ها، نزارها، مراتع، ارث بردن وارث و اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبان باز پس گرفته شده است در اختیار حکومت اسلامی است تا بر اساس مصالح عامه نسبت به آنها عمل شود. (اصل ۱۴ قانون اساسی)

حاکمیت و منشا آن :

حاکمیت عبارت است از قدرت فائقه یا عالیه ای که از یک سو بر کشور و مردم آن اقتدار و برتری بلا منازع دارد، به نحوی که همه ی مردم داخل یک کشور از آن اطاعت می کنند و از طرف دیگر کشورهای دیگر نیز آن را به رسمیت می شناسند و مورد احترام قرار می دهند.

به عبارت دیگر حاکمیت عبارت است از قدرت مافوق در یک کشور که بدون هیچ واسطه ای بر مردم اعمال می شود و بدون سلطه ی دولت های بیگانه تصمیم گیری می کنند.

در باره ی منشا حاکمیت و مبنای مشروعیت آن دو نظریه مطرح می شود.

۱. نظریه حاکمیت الهی :

که بر اساس آن قدرت و مشروعیت حاکمیت ناشی از اراده ی خداوند است و حاکمان نیز دستورات خداوند را اجرا می کنند.

۲. نظریه ی حاکمیت غیر الهی :

که خود به سه نظریه تقسیم می شود:

۱. حاکمیت فردی ۲. حاکمیت مردم ۳. حاکمیت ملی

۱. نظریه حاکمیت فردی:

به این معنی که مجموعه ی اقتدار سیاسی به فردی تعلق دارد که به صورت مطلق تمام اقتدار خود را از یک منبع فرا انسانی گرفته باشد.

۲. نظریه حاکمیت مردم :

به این معنی که حاکم اقتدار خود را از مردم گرفته است و مردم در تعیین سرنوشت خود نقش اساسی دارند.

۳. نظریه حاکمیت ملی :

که بر اساس آن ریشه ی هر گونه حاکمیتی اساسا در ملت قرار دارد.

حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

بر اساس اصل ۵۶ قانون اساسی حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است.

هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان صلب کند.

حقوق و آزادی های اساسی مردم :

الف) حقوق و آزادی های قضائی و امنیتی:

۱. **برخوردارى از تساوى حقوق:** اولین و مهمترین اصل حقوق و آزادی های مردم آن است که همه در برابر قانون از حقوق مساوی برخوردار باشند و هیچ گونه تبعیض در میان نباشد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی فصل ۳ به نام حقوق ملت می باشد که در اولین اصل آن (اصل ۱۹ قانون اساسی) به این امر چنین اشاره شده است. "مردم ایران از هر قوم قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند این ها باعث امتیاز نخواهد بود."

در اصل ۲۰ ام می گوید: "همه ی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از حقوق انسانی ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند." و حتی بر اساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی رهبر نیز در برابر قانون با سایر افراد کشور مساوی است.

۲. **حق دادخواهی و مراجعه به دادگاه:** دادخواهی یعنی اگر کسی مورد ظلم واقع شد ، حق و تونا مراجعه به مقام های صلاحیت دار قانونی و قضایی را داشته باشد تا به کمک آنها بتواند حقوق از دست رفته ی خود را بدست آورد و متجاوزان به سزای کار خود برسند. در اصل ۳۴ قانون اساسی می گوید: " دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کسی می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه ی افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

۳. **حق انتخاب وکیل:** بر اساس اصل ۳۵ قانون اساسی در همه ی دادگاه ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن ها امکان تعیین وکیل را فراهم کرد (وکیل تسخیری) و ملت این حق خدا داد را از طرقي که در اصول بعد می آید اعمال می کند. بنابراین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ترکیبی از حاکمیت الهی و حاکمیت مردمی پذیرفته شده است.

اصل ۲ و ۵۶ قانون اساسی زیربنای تشکیل حکومت اسلامی هستند چون بر طبق بند اول اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی نظامی بر پایه ی ایمان به خداوند یکتا و تسلیم محض در برابر اوست و همچنین طبق اصل ۵۶ حاکمیت مردم بر سرنوشت خود موهبتی الهی است که هیچ کس حق ندارد آن را از مردم صلب کند.

پذیرش اصل تفکیک قوا در قانون اساسی :

یکی از مهمترین اصول پذیرفته شده در نظام های مردم سالار یا دموکراسی ها اصل تفکیک قواست، به این معنا که سه قوی مقننه، قضائیه و اجرایی (مجریه) در حیطه ی قلمرو خود عمل کنند و قادر به تصمیم گیری و انجام وظایف قانونی خود باشند این اصل در واقع مبتنی بر دو مقدمه ی منطقی است :

(۱) تجمع قدرت در یک مرکز یا نهاد یا فرد موجب فساد و خود کامگی است.

(۲) تقسیم قدرت در بین نهادها و مراکز مختلف ساختار حکومت جلوگیری از بین تمرکز می شود.

نخستین بار نظریه ی تفکیک قوا را مونستکیوی فرانسوی مطرح کرد.

انواع تفکیک قوا :

۱. **تفکیک مطلق قوا** که منظور از آن این است که حاکمیت و قدرت بین قوای سه گانه تقسیم می شود. به نحوی که هر یک بر اساس وظایف خود بتوانند به طور مجزا و مستقل عمل نمایند. در این نظام های سیاسی رئیس جمهور حق انحلال مجلس را ندارد و مجلس نیز نمی تواند رئیس جمهور و دولت را استیضاح یا عزل کند. به این گونه نظام های سیاسی، نظام های ریاستی می گویند که نمونه ی مشخص آن در جهان، ایالات متحده USA است.

۲. **تفکیک نسبی قوا** که اکثر کشورها به این نوع عمل می کنند. به این معنا که با وجود پذیرش تفکیک و تمایز بین قوا این استقلال را به طور نسبی در قالب همکاری ترسیم شده میان قوا در نظر می گیرند. از این جهت در این نظام های سیاسی قوا یا نهادهای حکومتی بر کار یکدیگر نفوذ و تداخل دارند. به این نظام

های حکومتی نظام های همکاری قوا یا نظام نظام پارلمانی می گویند. (پارلمان یعنی مجلس) مانند انگلیس ، بلژیک ، و... در نظام هایی مانند فرانسه و ایران نظام سیاسی نه نظام ریاستی محض و نه نظام پارلمانی است. بلکه نظام نیمه ریاستی و نیمه پارلمانی است. نیمه ریاستی از این نظر که رئیس جمهور توسط مردم انتخاب می شود و نیمه پارلمانی از این جهت که مجالس می توانند رئیس جمهور و وزرا را استیضاح یا عزل نمایند. بر اساس اصل ۵۷ قانون اساسی قوای حاکم در جمهوری اسلامی عبارتند از : قوه ی مقننه ، مجریه و قضائیه که زیر ولایت مطلقه ی امر و امامت امت بر طبق اصول آینده ی ای قانون اعمال می گردند و این قوا مستقل از یکدیگرند. بنابراین تفکیک قوا در ایران نسبی است و در صورت اختلاف میان قوای سه گانه، مقام رهبری طبق بند ۷ اصل ۱۱۰ قانون اساسی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه را برعهده دارد.

۳. **اداره ی امور کشور با اتکای به آرای عمومی** : بر طبق اصل ۶ قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران ، امور کشور باید با اتکای به آرای عمومی اداره شود. از طریق انتخابات مانند انتخاب رئیس جمهور ، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای شورای شهر و یا از طریق همه پرسی (رفراندوم). درخواستی مراجعه به آرای عمومی یا همه پرسی در مسائل بسیار مهم اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی صورت می گیرد که بر اساس اصل ۵۹ قانون اساسی در خواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب ۳/۲ مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد.

۴. **مصونیت از تعرض** : طبق اصل ۲۲ قانون اساسی حیثیت ، جان ، مال ، حقوق ، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. تأمین امنیت شهروندان هر کشور یکی از وظایف اصلی حکومت هاست و هیچ کس حق ندارد امنیت افراد را مورد تجاوز قرار دهد. منظور از موارد قانونی که مصونیت از افراد صلب می شود این است که مثلاً اگر پلیس دلیلی بر سوء ظن خود در دست داشته باشد با اجازه ی دادگاه حق دارد اتومبیل یا منزل فرد را بازرسی کند.

۵. **مصونیت از تبعید** : یکی از آزادی های شهروندی ، آزادی انتخاب محل اقامت است. بر اساس این اصل شهروندی هر فردی حق دارد محل زندگی و اقامت خود را در داخل کشور انتخاب کند. بر اساس اصل ۳۳ قانون اساسی هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد و یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع و یا اقامت در محلی مجبور ساخت ، مگر در مواردی که قانون مقرر می کند. منظور از مواردی که

قانون مقرر می کند زمانی است که شخص طبق حکم دادگاه در مکانی محکوم به تبعید است یا از ابتدا متعهد شده باشد که در راستای مأموریت خود در مکان خاصی کار کند.

۶. **ممنوعیت شکنجه برای اقرار و اعتراف گرفتن اطلاعات:** طبق اصل ۳۸ قانون اساسی هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. مختلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

۷. **ممنوعیت هتک حرمت:** هتک حرمت به معنای پرده دری و یا ر سوا کردن کسی است. بر طبق اصل ۳۹ قانون اساسی هتک حرمت افراد نه تنها ممنوع شده است، بلکه فراتر از آن هتک حرمت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت یا تبعید شده، نیز ممنوع است و برای متخلف از این اصل مجازات در نظر گرفته شده است.

۸. **ممنوعیت توقیف غیر قانونی:** بر اساس اصل ۲۳ قانون اساسی هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و تریبی که قانون مشخص می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید ذکر و دلایل بلافاصله به صورت کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده ی مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال شود و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

۹. **اصل برائت:** در مورد این اصل (که در اصول ۳۶، ۳۷ و ۱۶۶ قانون اساسی به آن اشاره شده است) سه نکته قابل ذکر است: ۱- اصل بر برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود -۲- جرم شخص باید در دادگاه صالح ثابت شود و تا زمانی که طبق فرآیند آیین دادرسی حکم فرد ثابت نشود او متهم است نه مجرم قاضی هم باید بر اساس قانون حکم صادر کند -۳- احکام دادگاه های صالح باید مستدل به قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

۱۰. **اصل عطف به ما سبق قوانین:** اثر قانون نسبت به آینده است و به گذشته اثری ندارد به عبارت دیگر مجازات باید به موجب قانونی باشد که پیش از ارتکاب آن عمل مقرر شده است از این جهت هیچ مجرمی را نمی توان به موجب قانون بعدی مجازات کرد. بر اساس اصل ۱۶۹ قانون اساسی هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد به قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود.

۱۱. **اصل علنی بودن محاکمات:** بر اساس اصل ۱۶۵ قانون اساسی محاکمات علنی انجام می شود و حضور افراد در آن بلامانع است مگر آنکه تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا درخواست کنند دادگاه علنی نباشد

۱۲. **اصل قابل تجدید نظر بودن احکام:** از آنجا که قضات ممکن است اشتباه کنند و حق و ناحق را به اشتباه تشخیص دهند در قوانین اساسی کشور ها راه هایی برای جبران اشتباه قاضی پیش بینی شده است یکی از این راه ها در کشور ما دادگاه تجدید نظر است بر اساس این اصل تمام احکام یا بیشتر آن ها قابل تجدید نظر هستند. دادگاه تجدید نظر در ایران دو نوع است: ۱- دادگاه تجدید نظری که در مرکز هر استان وجود دارد و مرکب از یک عضو وزیر و دو مستشار می باشد -۲- دادگاه تجدید نظر در دیوان عالی کشور

۱۳. **اصل جبران مادی یا معنوی اشتباه قاضی:** اگر در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا حکم یا در تطبیق حکم در مورد خاص ضرر مادی و معنوی متوجه کسی شود مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است، در غیر این صورت خسارت توسط دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می شود (اصل ۱۷۱ قانون اساسی) بنابراین اگر قاضی دچار اشتباه شود خود مقصر است و باید جبران کند که ممکن است از نظر مالی یا حیثیتی باشد اما اگر این خسارت مادی و معنوی در اثر اشتباه نباشد، دولت باید جبران خسارت کند.

رهبری در قانون اساسی: نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصول اعتقادی اسلام است در اسلام حاکمیت در اصل ازان خداوند است که پیامبران و امامان معصوم در این میان نقش هدایت و راهنمایی آدمیان را از جانب خداوند بر عهده دارند در اسلام توجه زیادی به حکومت و رهبری جامعه شده است و به عبارتی می توان گفت از همان صدر اسلام سیاست و حکومت با دین آمیخته شده بود و از نظر اسلام دین از سیاست جدا نیست همان گونه که رسول الله همزمان هم رهبر سیاسی جامعه بود و هم رهبر دینی. طبق دیدگاه شیعه در زمان غیبت امام معصوم فرد خاصی به عنوان نائب امام زمان تعیین نشده است بلکه فقهای واجد شرایط به نیابت عام از طرف امام معصوم رهبری و هدایت جامعه را بر عهده دارد.

شرایط و ویژگی های رهبری: بر اساس اصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره ی رهبری چنین آمده است در زمان غیبت حضرت ولی عصر در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده ی فقیه، عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل ۱۰۷ عهده دار آن می گردد و در اصل ۱۰۹ قانون اساسی در مورد شرایط و صفات رهبری چنین آمده است:

۱. صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه

۲. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلامی

۳. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری

در صورت تعدد واجدین شرایط فوق شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی بیشتر باشد مقدم است بنابراین با توجه به این دو اصل مهمترین ویژگی های رهبری در ایران طبق قانون اساسی به قرار زیر است:

(a) صلاحیت علمی یا اجتهاد تا بتواند احکام الهی را از منابع شرعی بدست آورد

(b) صلاحیت اخلاقی و اعتقادی شامل: ۱- عدالت ۲- ایمان و اعتقاد کامل به مبانی اسلام (قلبی، زبانی، عملی) ۳- تقوا یا خداترس باشد

(c) صلاحیت سیاسی، اجتماعی و مدیریتی شامل: ۱- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی داشته باشد ۲- تدبیر و آینده نگری داشته باشد ۳- مدیریت قوی داشته باشد تا در لحظات بحرانی بتواند تصمیمات درست اتخاذ کند ۴- قدرت و شجاعت در تصمیم گیری داشته باشد.

چگونگی گزینش و عزل رهبر: در مورد رهبری امام خمینی همه ی مردم در فرآیند انقلاب و پس از پیروزی

انقلاب ایشان را رهبر و بنیان گذار جمهوری اسلامی شناخته اند و نیازی به گزینش رهبر وجود نداشت اما پس از ایشان رهبری با توجه به شرایط و ویژگی هایی که در قانون اساسی برای این مقام در نظر گرفته شده چگونه باید انتخاب شود؟ به هر حال در انتخاب رهبر توسط خبرگان رهبری که انتخاب با واسطه به شمار می آید مردم ابتدا خبرگان را انتخاب می کنند و خبرگان رهبری نیز با توجه به ویژگی های رهبری کسی را که صلاحیت لازم برای این مقام را داشته باشد انتخاب می کنند بعد از رهبری امام خمینی که اکثریت قاطع مردم آن را به عنوان رهبر انتخاب کرده بودند خبرگان رهبری درباره ی همه ی فقهای واجد شرایط مذکور در اصول ۵ و ۱۰۹ قانون اساسی بررسی و مشورت کردند تا رهبر بعدی را انتخاب کنند. هرگاه مجلس خبرگان در میان واجدان شرایط رهبری یکی

را اعلم از دیگران در موضوعات سیاسی بیابد او را به عنوان رهبر انتخاب می کند علاوه بر این عزل رهبر نیز طبق قانون اساسی از وظایف خبرگان رهبری است هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد شرایط مذکور اصول ۵ و ۱۰۹ قانون اساسی شود و یا معلوم شود از آغاز برخی از شرایط را دارا نبوده است از مقام خود برکنار خواهد شد طبق اصل ۱۰۹ قانون اساسی تشخیص این امر بر عهده ی خبرگان رهبری است بنابراین رهبری در نظام جمهوری اسلام به طور غیر مستقیم و با واسطه توسط مردم انتخاب می شود به این صورت که مردم خبرگان را انتخاب می کنند و رهبر را همین خبرگان عزل یا نصب می کنند.

مسئولیت های مقام رهبری در برابر قانون:

۱. **مسئولیت سیاسی:** قانون تاکید دارد که مجلس خبرگان رهبری می تواند رهبر را از مقامش عزل کند بنابراین مقام رهبری در برابر مجلس خبرگان مسئول است بررسی وجود شرایط رهبری یا نبود این شرایط توسط خبرگان رهبری مستلزم نظارت مستمر بر اعمال رهبر است به همین دلیل خبرگان رهبری از میان اعضای خود هیئت تحقیقی را مرکب از ۷ نفر برای مدت ۲ سال با رای مخفی انتخاب می کنند تا به وظایف مذکور در قانون عمل کنند.

۲. **مسئولیت حقوقی:** طبق بند آخر اصل ۱۰۷ قانونی اساسی رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است بنابراین رهبر مسئول اعمال مدنی و جزایی خود است و در صورت ارتکاب جرم همانند سایر مردم دادگاه ها می توانند او را محاکمه و مجازات کنند

۳. **مسئولیت عالی:** طبق قانون اساسی دارایی رهبر: همسر و فرزندان او قبل و بعد از خدمت مانند همه ی مسئولان بلند پایه ی کشور توسط رئیس قوه ی قضاییه رسیدگی می شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد (اصل ۱۴۲ قانون اساسی)

وظایف و اختیارات مقام رهبری:

الف) وظایف و اختیارات رهبری در برابر کل نظام: طبق اصل ۱۱۰ چهار وظیفه مهم رهبر در برابر کل نظام عبارتند از:

۱. تعیین سیاست های کل نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام

۲. نظارت بر حسن اجرای سیاست کلی نظام که بر اساس حکمی که در تاریخ ۷۹/۱۱/۳ مقام معظم رهبری ابلاغ نمودند این وظیفه ی رهبری یعنی نظارت بر سیاست های کلی نظام به مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار شد

۳. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه : بر اساس قانون اساسی (اصل ۵۷) تفکیک قوا در ایران پذیرفته شده است اما در برخی موارد ممکن است بین ۳ قوه اختلاف ایجاد شود حل این اختلافات بر عهده ی مقام رهبری است

۴. حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست از طریق مجلس تشخیص مصلحت نظام

ب) وظایف و اختیارات رهبری در قوه مجریه : طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی پس از رهبری رئیس جمهور بالا ترین مقام رسمی کشور است و رئیس قوه ی مجریه است اما در همین اصل آمده است رئیس جمهور در بخشی از قوه ی مجریه که به طور مستقیم توسط رهبر اداره می شود وظیفه و اختیاری ندارد از جمله نیرو های نظامی و انتظامی از این جهت بر اساس اصل ۱۱۰ ، ۱۳۰ و ۱۳۱ قانون اساسی وظایف و اختیارات رهبری در قوه مجریه عبارت است از:

۱. فرماندهی کل نیروهای مسلح
۲. اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها
۳. نصب و عزل و قبول استعفای فرمانده کل ارتش
۴. نصب و عزل و قبول استعفای فرمانده سپاه پاسداران
۵. نصب و عزل و قبول استعفای فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی
۶. امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب از طرف مردم
۷. عزل رئیس جمهور پس از رای عدم کفایت سیاسی مجلس و یا اعراض تخلف ریاست جمهوری از وظایف قانون خود بر اساس نظر دیوان عالی کشور
۸. قبول استعفای رییس جمهور

ج) وظایف و اختیارات رهبر در قوه مقننه:

۱. فرمان اجرای همه پرسسی یا رفراندوم: بر طبق بند ۳ اصل ۱۰۳ قانون اساسی فرمان همه پرسسی از وظایف و اختیارات رهبر است.

۲. نصب و عزل استعفای فقهای شورای نگهبان

د) وظایف و اختیارات رهبر در قوه قضاییه:

۱. نصب و عزل و قبول استعفای رئیس قوه ی قضاییه: بر اساس قسمت ب که رئیس آن باشد بر عهده رهبر است که در اصل ۱۵۷ قانون اساسی نیز بر این امر تأکید دارد.

۲. عفو و تخفیف مجازات محرومین

و) وظایف و اختیارات دیگر رهبر:

a. **نصب و عزل و قبول استعفای رئیس سازمان صدا و سیما** بر طبق اصل ۱۵۷ قانون اساسی نصب و عزل و قبول استعفای رئیس سازمان صدا و سیما با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور، رئیس قوه ی قضاییه و مجلس هر کدام دو نفر بر این سازمان نظارت می کنند.

b. **تعیین اعضا تشخیص مصلحت نظام**، بر پایه اصل ۱۱۲ قانون اساسی اعضا ثابت و متغیر این مجمع توسط مقام رهبری تعیین می شود، لازم به ذکر است که اعضای مجمع مصلحت در سال ۱۳۶۶ بر اساس حکم حکومتی امام خمینی تشکیل شد و در بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸ در غالب اصل ۱۱۲ در آن گنجانده شد.

چهار وظیفه ی مجمع تشخیص مصلحت نظام:

۱. حل اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان

۲. مشاوره به رهبری در حل معضلات نظام

۳. بازنگری قانون اساسی

۴. تعیین سیاست های کلان نظام (بازوی مشورتی رهبر هستند).

c. انتخاب یکی از فقهای شورای نگهبان برای عضویت در شورای رهبری

d. عضویت اعضای ثابت مجمع در شورای بازنگری قانون اساسی

e. دستور بازنگری در قانون اساسی:

جمهوری اسلامی در موارد ضروری به این ترتیب انجام می شود که مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا اضافه شدن در قانون اساسی را به شورای بازنگری پیشنهاد می کنند.

قوه مجریه:

قوه مجریه مرکب از برخی مقالات عالی اجرایی است که عهده دار اجرای قوانین و رهبری سیاست های دولت است. به طور کلی تمام اعضای قوه ی مجریه از قبیل رئیس کشور (پادشاه ، رهبر ، رئیس جمهور ، امپراطور یا شورای حاکم) نخست وزیر ، وزیران ، استانداران ، فرمانداران در غالب تعریف مجریان جای می گیرند.

وظایف قوه ی مجریه:

۱. اجرای تصمیمات قوای دیگر:

اولا قوانینی که توسط مجلس وضع می شود. دوما تصمیمات قضایی که توسط دادگاه های صلاحیت دار که به شکل آرای قضایی لازم الاجرا صادر می شوند و قوه ی مجریه مکلف به اجرای آن هاست.

۲. تدارک تصمیمات به این ترتیب که قوه ی مجریه می تواند با اتکا به قانون یعنی تهیه ی لوایح (لایحه ها)

قانونی و مشارکت در جلسات مجلس در قانون گذاری نیز تأثیر گذار باشد. پیشنهادهاتی که از سوی خودنمایندگان مجلس برای وضع قانون می رسد را طرح می گویند.

۳. **اتخاذ تصمیمات لازم الاجرا:** قوه ی مجریه در بسیاری از موارد می تواند تصمیمات جدیدی بگیرد که پیشرفت قانونی نداشته باشد که به آن ها دستور العمل یا بخش نامه یا آیین نامه دولتی می گویند و لازم الاجرا هستند.

نوع قوه ی مجریه در ایران:

قوه ی مجریه در ایران نیمه ریاستی، نیمه پارلمانی است زیرا رئیس جمهور در ایران با رأی مستقیم و مخفی مردم انتخاب می شود و او رئیس قوه ی مجریه است که وزیران را انتخاب می کند و حق اتصال مجلس را ندارد. از این جهت ریاستی است.

اما از این نظر که نمایندگان مجلس نیز توسط مردم انتخاب می شوند و می توانند وزیران، هیئت وزیران و رئیس جمهور را استیضاح کنند سیستم پارلمانی است.

از جهت دیگر قوه ی مجریه در ایران دو ریاستی است که تا سال ۶۸ سه ریاستی بود از این جهت که تا سال ۶۸ رئیس جمهور نخست وزیر و رهبر وجود داشت که بعد از ۶۸ نخست وزیر حذف شد. مثل سیستم امروز عراق.

شرایط و صلاحیت های رئیس جمهور:

بر اساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی قوه ی مجریه را بر عهده دارد.

طبق اصل ۱۹ قانون اساسی مردم ایران از هر قدم و قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان سبب امتیاز نخواهند شد.

به این ترتیب هر کس حق دارد که خود را برای ریاست جمهوری نامزد کند.

بر اساس اصل ۱۱۵ قانون اساسی شرایط خاص داوطلبان ریاست جمهوری به این شکل است:

رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی باشد که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد:

۱. ایرانی الاصل باشد. (یعنی پدرش ایرانی باشد).

۲. مدیر و مدبر باشد.

۳. دارای حسن مسابقه و امانت و تقوا باشد.

۴. مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور باشد.

مراحل و اصول انتخاب رئیس جمهور:

۱. شروع انتخابات و ثبت نام داوطلبان ریاست که طبق قانون اساسی انتخابات ریاست جمهوری باید دست کم یک ماه پیش از پایان دوره ی ریاست جمهوری قبلی انجام شود. (اصل ۱۱۹ قانون اساسی) بنابراین وزارت کشور موظف است سه ماه پیش از پایان دوره ی ۴ سال ریاست جمهوری اجرای آن را فراهم کند و تاریخ شروع آن را به اطلاع مردم برساند. طبق اصل ۱۱۶ نامزدهای ریاست جمهوری نیز باید پیش از شروع انتخاباتی آمادگی خود را به طور رسمی اعلام کنند. یعنی خود یا نماینده تام الاختیارشان باید ظرف ۵ روز از تاریخ دستور شروع انتخابات وزارت کشور مراجعه کرده و ثبت نام نمایند. وزارت کشور نیز بلافاصله باید مدارک داوطلبان را به شورای نگهبان ارسال کند تا این شورا به صلاحیت آن ها رسیدگی کند و نام افراد تایید شده را به وزارت کشور بفرستد و تبلیغات انتخاباتی از لحظه ی اعلام اسامی تایید صلاحیت شده تا ۲۴ ساعت پیش از رای گیری ادامه خواهد داشت.

۲. انتخابات رئیس جمهور با رای مستقیم و مخفی مردم: طبق قانون اساسی رییس جمهوری برای مدت ۴ سال با رای مستقیم و منفی مردم و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلا مانع است. (اصل ۱۱۴)

۳. انتخاب رئیس جمهور با اکثریت مطلق آرا:

رییس جمهور طبق اصل ۱۱۷ قانون اساسی با رأی اکثریت بدست نیاورند روز جمعه ی هفته ی هد برای بار دوم رأی گیری بین دو نفری که آرای بیشتری در دور اول بدست آورده اند تکرار خواهد شد. در دور دوم هر کس صاحب اکثریت نسبی آراء شود برنده انتخابات بود.

۴. نظارت شورای نگهبان:

شورای نگهبان دو وظیفه ی مهم در انتخابات ریاست جمهوری دارد:

الف) تایید صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری

ب) نظارت بر اجرای انتخابات ریاست جمهوری که طبق اصل ۹۹ به شورای نگهبان سپرده

طبق نظر شورای نگهبان نظارت مذکور در اصل ۹۹ نظارتی عام، مطلق و استصوابی است که شامل تمام مراحل انتخابات از ابتدا تا انتها می شود.

۵. اعلام نتایج انتخابات و صدور اعتبار نامه رییس جمهور:

پس از اتمام انتخابات شورای نگهبان طی یک هفته تا حداکثر ۱۰ روز پس از دریافت نتیجه ی انتخابات نظر قطعی خود را درباره ی انتخابات به وزارت کشور اعلام می کند و وزارت کشور از طریق رسانه های گروهی به اصطلاح در صورت تأیید انتخابات اعتبار نامه ی رییس جمهور منتخب را به محضر رهبر می فرستد.

۶. امضا حکم ریاست جمهوری و آغاز کار رسمی او:

بر اساس بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی امضا حکم رئیس جمهور با رهبر است و از زمانی که اعتبار نامه ی رئیس جمهور منتخب توسط رهبر تنفیض می شود شروع دوره ی ریاست جمهوری اوست.

۷. ادای سوگند: رییس جمهور پس از تنفیض حکم در مجلس شورای اسلامی در که با حضور رئیس قوه ی قضاییه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می گردد سوگند یاد کرده و سوگند نامه را امضا می کند (اصل ۱۲۱) پایان دوره ی ریاست جمهوری می تواند به اشکال گوناگون باشد:

۱. استعفا که باید توسط رهبر پذیرفته شود.

۲. فوت

۳. عزل

۴. غیبت بیش از حد مجاز و یا بیماری که بیش از دو ماه طول بکشد (اصل ۱۳۰)

البته عزل رئیس جمهور به دو شکل انجام می شود:

۱. پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی اش

۲. رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت پی بر اساس اصل ۸۹ که در هر دو صورت باید به تأیید رهبر برسد.

وظایف و اختیارات رئیس جمهور:

در قوه مجریه طبق اصول ۶۰ و ۱۱۳ قانون اساسی ، به شرح زیر است:

۱. انتخاب و عزل وزیران
۲. ریاست هیات وزیران که شامل معاون اول رئیس جمهور وزیران و معاون وزیران است
۳. نظارت بر کار هیات وزیران اصل ۱۳۴
۴. تعیین خط مشی دولت و اجرای قوانین
۵. تعیین سرپرست برای وزارت خانه هایی که به هر دلیل وزیر ندارند حداکثر به مدت ۳ ماه سرپرست تعیین کند
۶. تعیین دیگر همکاران غیر از وزیران مانند معاونان و مشاوران رئیس جمهور که نیاز به رای اعتماد مجلس ندارند
۷. حل اختلاف بین دستگاه های دولتی
۸. حضور در مجلس شورای اسلامی که در دو مورد حضور رئیس جمهور الزامی است: الف) سوال نمایندگان از رئیس جمهور که جواب ایشان نباید بیش از یک ماه به تاخیر بیفتد لازمه ی سوال از رئیس جمهور طبق اصل ۸۸ امضای حداقل یک چهارم کل نمایندگان لازم است ب) در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس رای به استیضاح رئیس جمهور بدهند
۹. تهیه برنامه های عمرانی ۵ ساله کشور (اصل ۱۲۶)

وظایف و اختیارات رئیس جمهور به عنوان مقام رسمی کشور:

۱. تصویب و امضای استوار نامه ی سفیران ایران و پذیرش استوارنامه سفیران خارجی
۲. امضای موافقت های بین المللی
۳. شرکت در کنفرانس ها و سمینار ها و اجلاس های بین المللی
۴. اعطای نشان های دولتی (نشان های لشکری و کشوری)
۵. ریاست شورای عالی امنیت ملی (اصل ۱۷۶)
۶. عضویت در شورای موقت رهبری
۷. مسئولیت اجرای بازنگری در قانون اساسی

۸. عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام

۹. امضای مصوبات مجلس و نتیجه همه پرس‌ها برای اجرا

هیات وزیران: مهمترین گروه از همکاران رئیس جمهور هستند که از آن به هیات دولت یا کابینه یاد می‌شود
مهمترین وظایف و اختیارات هیات وزیران عبارتند از:

۱. تصویب لوایح و تقدیم آن به مجلس شورای اسلامی برای تصویب قانون

۲. وضع آیین نامه‌ها و تصویب نامه‌های اجرایی (اصل ۱۳۸)

۳. تصویب صلح دعاوی اموال عمومی یا ارجاع به داوری

۴. تهیه و تصویب لایحه بودجه و ارسال آن به مجلس (اصل ۵۲)

معاونان رئیس جمهور: در اصل ۱۲۴ قانون اساسی آمده است رئیس جمهور می‌تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی اداره هیات دولت و وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونت‌ها را به عهده دارد. در حال حاضر رئیس جمهور ایران علاوه بر معاون اول ۹ معاون دیگر دارد شامل معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی - معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی - رئیس سازمان انرژی اتمی - رئیس سازمان حفاظت محیط زیست - رئیس سازمان تربیت بدنی - رئیس سازمان میراث فرهنگی، جهان گردی و صنایع دستی - رئیس سازمان ایثارگران و جانبازان - معاون حقوقی و پارلمانی - معاون اجرایی

مسئولیت های رئیس جمهور: رئیس جمهور در برابر حقوقی که دارد مسئولیت هایی نیز بر عهده او قرار داده شده است: الف) مسئولیت های سیاسی: رئیس جمهور در حدود وظایفی که بر حسب قانون اساسی یا قوانین عادی بر عهده دارد در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است (اصل ۱۲۲) و باید بر کار وزیران نظارت کند (اصل ۱۳۴ ب) مسئولیت مالی: طبق اصل ۱۴۲ قانون اساسی، دارای رهبر، رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور، وزیران، همسر و فرزندان آن‌ها قبل و بعد از خدمت تو سطرئیس قوه ی قضاییه رسیدگی می شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد.

قوه ی مقننه: یکی از قوای مهم هر کشور قوه ی مقننه یا قانون گذاری است که مسئول تصویب قوانین عادی کشور است. قوه ی مقننه جمهوری اسلامی ایران که در آرای عمومی مردم ریشه دارد (اصل ۶) سهم مهمی در حاکمیت ایران دارد و مظهر اراده مردم است و از نظر قانون اساسی قوه ی مقننه در ایران به دو صورت اعمال می شود:

۱. اعمال غیر مستقیم: از طریق مجلس شورای اسلامی که از نمایندگان مردم انتخاب می شود
 ۲. اعمال مستقیم: که مردم در صورت نیاز به صورت مستقیم خود در قانون گذاری در قالب رفراندوم مل می کنند که درخواست مراجعه به آرا عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مردم برسد (اصل ۵۹)
- قوه ی مقننه جمهوری اسلامی مبتنی بر نظام یک مجلسی ولی دو رکنی است که شامل یک مجلس شورای اسلامی است که نمایندگان آن مستقیماً توسط مردم انتخاب می شوند و رکن دوم شورای نگهبان است طبق اصل ۹۳ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب ۶ نفر حقوق دان اعضای شورای نگهبان

انتخابات مجلس شورای اسلامی: طبق اصل ۶۳ قانون اساسی دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی ۴ سال است و انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره ی قبل برگزار شود بطوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد. تعداد نمایندگان مجلس (اصل ۶۴) ۲۷۰ نفر بود که هر ۱۰ سال به نسبت هر ۱۵۰ هزار نفر یک نماینده به نمایندگان مجلس اضافه می شود اما در بازنگری سال ۶۸ این اصل اینگونه اصلاح شد که تعداد نمایندگان مجلس ۲۷۰ نفر است و از سال ۶۸ به بعد هر ۱۰ سال، با توجه به عوامل انسانی، سیاسی و جغرافیایی حداکثر ۲۰ نفر نماینده می تواند به این تعداد اضافه شود که در سال ۷۸، ۲۰ نفر اضافه شد و ۲۹۰ نفر شدند.

وظایف و اختیارات مجلس:

۱. قانون گذاری طبق اصل ۷۱ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی در همه ی مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می تواند قانون وضع کند و طبق اصل ۷۲ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع کند که به اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل ۹۶ آمده است به عهده ی شورای نگهبان است
۲. شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است بنابراین اصل مانع تفسیری که دادرسان در مقام تمیز و تشخیص حق از قوانین می کنند نیست
۳. نظارت بر امور کشور و ارزیابی آن که شامل نظارت تاسیسی در شروع کار دولت - نظارت سیاسی مثل عزل و استیضاح و ... - نظارت مالی بر قوه ی مجریه و ...

شورای نگهبان: شورای نگهبان مرجعی است تخصصی متشکل از فقها و حقوق دانان برای نظارت بر قانون گذاری تا مبادا مصوبات قانونی با احکام اسلام و قانون اساسی مغایرت داشته باشد اعضای شورای نگهبان و اصل ۹۱ قانون اساسی شورای نگهبان دو نوع عضو دارد:

۱. فقها که ۶ نفر هستند برای مدت ۶ سال توسط مقام رهبری انتخاب می شوند و باید فقیه و عادل و آگاه به مقتضیات زمان باشند

۲. حقوق دان ها که ۶ نفر هستند از میان حقوق دانانی که توسط رئیس قوه قضاییه به مجلس معرفی می شوند با رای نمایندگان مجلس انتخاب می شوند

ساختار و وظایف شورای نگهبان: شورای نگهبان دارای دبیر و یک قایم مقام از اعضای خود است و یکی نیز به عنوان سخنگو از داخل یا خارج شورا انتخاب می شود که برای مدت یک سال سخنگوی شورای نگهبان است

مهمترین وظایف:

۱. نظارت بر مصوبات مجلس در اصل ۹۴ قانون اساسی آمده است که مصوبات مجلس باید به شورای نگهبان فرستاده شود و این شورا موظف است حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از مدت وصول از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی آن ها را بررسی کند و در صورت مغایرت برای تجدید نظر دوباره به مجلس بفرستد در غیر این صورت مصوبه قانون می شود

۲. تفسیر قانون اساسی: طبق قانون اساسی تفسیر این قانون بر عهده ی شورای نگهبان است اصل ۹۸ که با تصویب سه چهارم اعضا انجام می شود اگر تفسیری از قانون اساسی حد نصاب لازم برای تصویب را بدست نیارود ولی بر مبنای رای حداکثر اعضا صادر شود نظر مشورتی نامیده می شود

۳. نظارت بر انتخابات: طبق اصل ۹۹ قانون اساسی شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری - ریاست جمهوری - مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد و طبق تفسیر خود شورای نگهبان نظارت بر همه ی انتخابات استصراعی می باشد و همچنین این نظارت عام و مطلق است که همه ی مراحل انتخابات از ابتدا تا انتها را شامل می شود

۴. حضور در مجلس شورای اسلامی که به دو شکل اختیاری و اجباری است طبق اصل ۹۷ قانون اساسی اعضای شورای نگهبان به منظور سرعت بخشیدن به کار خود می توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات مجلس را بشنوند

۵. تایید توقف انتخابات در زمان جنگ، بر اساس اصل ۶۸ قانون اساسی در زمان جنگ و اشغال کشور به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تایید شورای نگهبان انتخابات در نقاط اشغال شده یا تمامی کشور برای مدت معینی متوقف می شود
۶. عضویت یکی از فقهای شورای نگهبان و شورای موقت رهبری به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام
۷. عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام بنابر اصل ۱۱۲ قانون اساسی از جمله اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام فقهای شورای نگهبان هستند که باید در جلسات شرکت کنند
۸. عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی، قوه قضائیه

اهمیت، جایگاه و اعمال قوه قضائیه

در مقدمه قانون اساسی در مورد اهمیت قضا در جمهوری اسلامی ایران این گونه مقرر شده است:

مسئله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیش گیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی، امری است حیاتی. از این رو ایجاد سیستم قضایی، بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی و پیش بینی شده است. این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور اهر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد.

در اصل ۱۶۱ قانون اساسی اعمال قوه قضائیه را بر عهده دادگاه های دادگستری نهاده که باسد طبق موازین اسلامی تشکیل شوند و اهداف تشکیل آنها را چنین برشمرده است:

۱. حل و فصل دعاوی؛
۲. حفظ حقوق عمومی؛
۳. گسترش و اجرای عدالت؛
۴. اقامه حدود الهی.

مرجعیت دادگستری در رسیدگی به شکایات و دادخواهی مردم در اصل ۱۵۹ قانون اساسی هم مورد تأیید قرار گرفته است. اعمال صحیح قضا در دادگاه ها، زمانی امکان پذیر است که قوه قضائیه استقلال کامل خود داشته باشد از این رو در اصل ۱۵۶ بر استقلال این قوه تأکید شده است.

وظایف قوه قضائیه

در اصل ۱۵۶ قانون اساسی در زمینه وظایف قوه قضائیه چنین آمده است:

قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات/ف تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسیه که قانون معین می‌کند؛
۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع؛
۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین؛
۴. کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدوّن جزایی اسلام؛
۵. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

مقامات قوه قضائیه

یک. رئیس قوه قضائیه

۱. انتصاب رئیس قوه‌ی قضائیه

در قانون اساسی سال ۱۳۵۸ در رأس قوه‌ی قضائیه، شورایی به نام «شورای عالی قضایی» قرار داشت که در بازنگری سال ۱۳۶۸ این شورا حذف و «رئیس قوه‌ی قضائیه» جایگزین آن شد. اصل ۱۵۷ در مورد انتصاب و شرایط رئیس قوه‌ی قضائیه مقرر کرده است:

....، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت ۵ سال به عنوان رئیس قوه‌ی قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه‌ی قضائیه است.

۲. وظایف رئیس قوه‌ی قضائیه

اصل ۱۵۸ درباره وظایف و اختیارات رئیس دستگاه قضا می‌گوید، وظایف رئیس قوه‌ی قضائیه به شرح زیر است:

- ایجاد تشکیلات لازم دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل ۱۵۶؛
- تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی؛
- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنها و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

علاوه بر این وظایف اصلی، برخی از وظایف دیگر رئیس قوه قضائیه در اصول دیگر قانون اساسی به شرح زیر است:

- پیشنهاد حقوق دانان شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی (۹۱)؛
- پیشنهاد عفو و تخفیف مجازات محکومان به مقام رهبری (اصل ۱۱۰ بند ۱۱)؛
- عضویت در شورای موقت رهبری (اصل ۱۱۱)؛
- حضور در مراسم سوگند رئیس جمهور در مجلس (اصل ۱۲۱)؛
- رسیدگی به اموال و دارایی‌های مسئولان عالی‌رتبه نظام (اصل ۱۴۲)؛
- پیشنهاد وزیر دادگستری به رئیس جمهور (اصل ۱۶۰)؛
- انتصاب رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل (اصل ۱۶۲)؛
- عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی (اصل ۱۷۷).

دو. وزیر دادگستری

در اصل ۱۶۰ قانون اساسی آمده است:

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسایل مربوط به روابط قوه‌ی قضائیه با قوه‌ی مجریه و قوه‌ی مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه‌ی قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند، انتخاب می‌گردد. رئیس قوه‌ی قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر از قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزرا به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود.

سه. دیوان عالی کشور

در ارکان قضایی جمهوری اسلامی ایران، «دیوان عالی کشور» عالی‌ترین رکن به شمار می‌آید. اصل ۱۶۱ در مورد این رکن می‌گوید:

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود، براساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند، تشکیل می‌شود.

مهم‌ترین وظایف این دیوان عبارت است از:

- نظارت بر حسن اجرای قوانین در محاکم؛
- صدور رأی وحدت رویه قضایی؛

- محاکمه رئیس جمهور در صورت تخلف از وظایف قانونی (بند ۱۰ اصل ۱۱۰)؛
- حل اختلافات مراجع قضایی و تجدید نظر در احکام دادگاه‌ها.

بر اساس اصل ۱۶۲ قانون اساسی رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور برای مدت ۵ سال از سوی رئیس قوه قضائیه منصوب می‌کند.

پنج. قاضی

قضات در اجرای وظیفه اساسی و بنیادی قوه قضائیه (یعنی حل و فصل دعاوی) مهم‌ترین رکن این قوه است. بر اساس اصل ۱۶۳ قانون اساسی صفات و شرایط قاضی باید طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین شود. و طبق اصل ۱۶۴ قانون اساسی: قاضی را نمی‌توان از مقامی شاغل است، بدون محاکمه و اثبات جرم یا تخلفی که موجب انفصال است، به طور موقت یا دائم منفصل کرد، یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد، مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه، پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند، صورت می‌گیرد.

اصل ۱۶۴ قانون در زمینه استقلال قضایی و امنیت شغلی و روانی اوست.

شش. محاکم خاص دادگستری و سازمان‌های همکار قوه قضائیه

۱. محاکم نظامی

اصل ۱۷۲ در این زمینه تأکید دارد:

برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی (همان نیروی انتظامی)، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌شود، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند، در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود.

۲. دیوان عدالت اداری

در اصل ۱۷۳ قانون اساسی در این مورد اشاره می‌کند:

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأموران یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

۳. سازمان بازرسی کل کشور

این سازمان بازوی نظارتی قوه قضائیه است. اصل ۱۷۴ قانون اساسی در این زمینه اذعان می‌دارد:

بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

مجمع تشخیص مصلحت نظام

پس از پیروزی انقلاب اسلامی هر از چند گاهی میان مصلحت‌اندیشی مجلس و شرع‌اندیشی شورای نگهبان اختلاف و تضادهایی پدید می‌آمد، و در برخی از موارد ممکن بود به بن‌بست قانون‌گذاری بیانجامد. تا قبل از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ هیچ راه قانونی برون رفت از این بن‌بست پیش‌بینی نشده بود. دو سال قبل از بازنگری به فرمان امام خمینی (ره) مجمع تشخیص مصلحت نظام به این منظور تشکیل شد. به این ترتیب، مجمع تشخیص مصلحت نظام با حکم ولی‌فقیه تأسیس شد و مشروعیت یافت. سرانجام این مجمع در قالب اصل ۱۱۲ قانون اساسی ایران در بازنگری سال ۱۳۶۸ نهادینه شد:

مجمع تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف شرع و یا قانون اساسی بداند و یا مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و نیز مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی در قانون ذکر شده است، به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید.

یک. وظایف مستقل مجمع تشخیص مصلحت نظام

- حل اختلاف بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی (اصل ۱۱۲)؛
- عضویت اعضای ثابت مجمع در شورای بازنگری قانون اساسی (اصل ۱۷۷)؛
- تعیین یکی از اعضای شورای موقت رهبری (اصل ۱۱۱)؛
- انتخاب فرد دیگری به جای عضو شورای موقت رهبری که نتواند انجام وظیفه کند (اصل ۱۱۱)؛
- تصویب و تجویز اعمال برخی وظایف شورای موقت رهبری (اصل ۱۱۱).

دو. وظایف مشورتی به عنوان مشاور رهبری

- حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست، پس از ارجاع رهبری (اصل ۱۱۰، بند ۸)؛

- تعیین سیاست‌های کلی نظام (اصل ۱۱۰، بند ۱)؛
- بررسی و مشورت در اموری که رهبری ارجاع می‌دهد (اصل ۱۱۲)؛
- ارائه مشورت به رهبری در مورد اصلاح یا متمیم (بازنگری) قانون اساسی (اصل ۱۷۷).

سه. وظایف نظارتی مجمع

مهم‌ترین وظیفه مجمع در این زمینه نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام (بند ۲ اصل ۱۱۰) است که از سوی مقام رهبری به آن تفویض شده است.